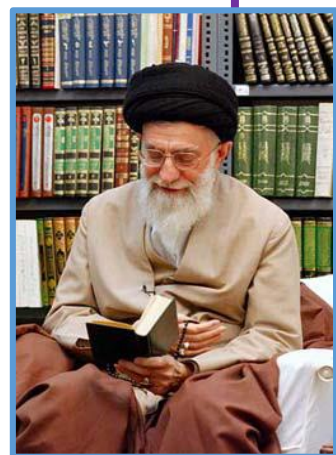


اهمیت و وجوب مطالعه

* - به قلبم فشار می آید!

ملت ما مطالعه کردن را اصلاً جزو کارهای بشری نمی دانند! مثل خوراک و ورزش و دیگر چیزهایی که جزو کارهای معمول انسان است، مطالعه اصلاً جزو این چیزها نیست! آدم باید عنوان دیگری داشته باشد- یا باید شب امتحانش باشد؛ یا باید معلم در مدرسه از آدم بخواهد؛ یا باید یک دانشمند باشد؛ یا باید بخواهد در جایی سخنرانی کند- تا موجب شود که مطالعه کند! این چه قدر خسارت است؟!



واقعاً خدا می داند من وقتی یادم می آید- و این چیزی است که تقریباً هیچ وقت از یادم نمی رود- که مردم ما مطالعه کردن را بلد نیستند، به قلب من فشار می آید! از این بابت، ما چقدر داریم هر ساعت خسارت می بینیم؟! واقعاً این به عهده ی چه کسی است؟ در حال حاضر این طور است که بنده یا یک نفر مثل بنده، سالی یک بار به نمایشگاه کتاب برود و یک کلمه راجع به مطالعه بگوید؛ آن هم به شرطی که دست یک گزارشگر خاص نیفتد؛ این که نمی شود!

در دیدار با اعضای گروه اجتماعی صدای جمهوری اسلامی ایران ۲۹/۱۱/۷۰



بسمه تعالی

چرا مطالعه واجب است !!

قدرت و عزت الهی بر پایه‌ی حکمت او عملی می‌شود " العزیز الحکیم "
 پس ما نیز باید ابتدا حکمت بیاموزیم تا بتوانیم قدرتمان را بر اساس حکمت اعمال کنیم.

تفسیر نور سوره‌ی مبارکه‌ی لقمان

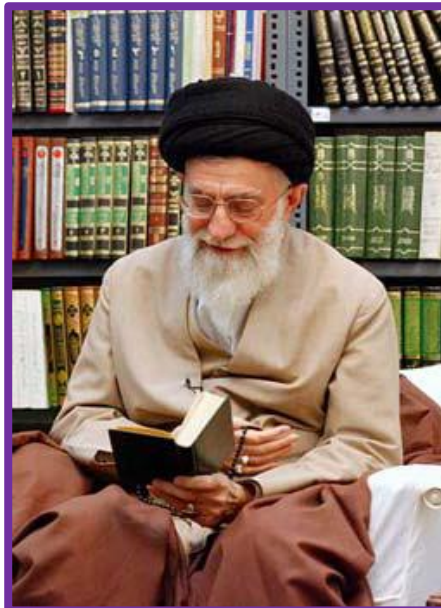
امام علی علیه السلام : الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ ، خطبه‌ی ۷۷ نهج البلاغه ؛

آیا واقعا حکمت گمشده‌ی شده‌ی ما هست ؟!

توصیه می‌شود کتاب " من و کتاب (تشویق‌های رهبری در مورد مطالعه) " را حتما بخوانید. پی‌دی‌اف
 این کتاب در اینترنت موجود است.

*- پیامبر اکرم: کسی که کاری را بدون دانش و آگاهی انجام
 می‌دهد، فسادش بیشتر از نفعش است. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴
 *- رهبر انقلاب: اگر اهل مطالعه نیستید بهتر است مسئولیت هم
 نداشته باشید.

*- یک عده‌ای اول انقلاب جزو کسانی بودند که پُرشور با انقلاب
 همراه بودند اما از روی احساس؛ از روی عمق فهم دینی نبود.
 ۰۳/۰۹/۱۳۹۵



*- منتهای سعادت همین است که آدمی در ناحیه عقل و فکر دارای
 محکم‌ترین اطمینان‌ها و در ناحیه احساسات و قلب دارای پاک‌ترین نیت‌ها
 و در ناحیه عمل نیکوترین عمل‌ها باشد. زندگی پاک و سعادت‌بخش همین
 است. (از کتاب حکمت‌ها و اندرزها)

توجه و اهمیت به علم در نگاه احادیث و آیات و سخن بزرگان

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
پیام آیه ۱۰۸ یوسف تفسیر نور:

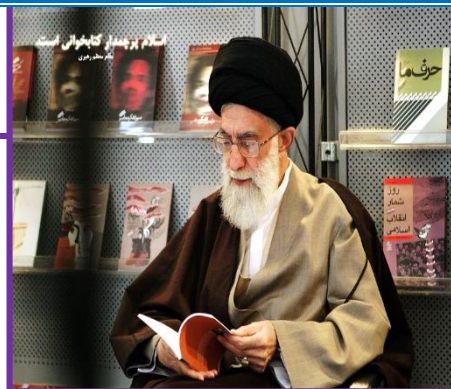
- رهبر باید بصیرت کامل داشته باشد. "علی بصیره"
 - مردم را چشم بسته و بدون آگاهی نباید به انجام کاری ترغیب کرد. "علی بصیره"
 - پیروان پیامبر باید هر کدام مبلغی باشند که با بصیرت و آگاهی مردم را به سوی خدا دعوت کنند.
- " ادعوا الى الله... انا و من اتبعنى."

عن علی (علیه السلام) قال: "یا کمیل ما من حرکه الا و انت محتاج فیها الی معرفه".

علی علیه السلام به "کمیل ابن زیاد" فرمودند: «هیچ حرکتی و فعالیتی نیست مگر آنکه تو در انجام آن به علم و معرفت نیاز داری» (تحف العقول ص: ۱۷۱)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ
السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورٌ ۱۰ سوره ی فاطر

هر که شرف و قدرت و غلبه خواهد (بداند که) اینها یکسره از آن خداوند است (و باید از او بطلبد)
سخنان پاکیزه (اعتقاد به توحید و اصول عقاید که مفاد کلم طیب است) به سوی (قرب) او بالا
می رود و عمل صالح آن را بالا می برد و کسانی که بدی ها را به نیرنگ انجام می دهند آنها را عذابی است
سخت، نیرنگشان تباہ و بی اثر است. - ترجمه آیت الله مشکینی -



کتاب و کتابخوانی از منظر مقام معظم رهبری

مردم ما، با کتاب، بیش از آنچه که امروز انس دارند باید انس بگیرند. کتابخوانی چیزی است که برای یک ملت، فریضه است؛

واجب و لازم است. مردمی که اهل کتاب خواندن باشند، از لحاظ معلومات و ذکاوت و هوشیاری، تفاوت می‌کنند با مردمی که با کتاب و مطبوعات انس نداشته باشند. یکی از مسائل مهم که همت مضاعف و کار مضاعف می‌طلبد، مسئله تولید فکر، کتابخوانی و افزایش معلومات عمومی در زمینه‌های گوناگون است. این کرسی‌های آزاد اندیشی که ما پیشنهاد کردیم در دانشگاهها و حوزه‌ها به راه بیافتد، می‌تواند یک جریان فکری سیال بسیار با ارزشی را در جامعه به راه اندازد.

۱ - وظیفه ملی؛ واجب دینی

اکنون ملت ایران باید عقب‌افتادگی‌ها را جبران کند. اینک فرصت بی‌نظیری از حکومت دین و دانش بر ایران، پدید آمده است که باید از آن در جهت اعتلای فکر و فرهنگ این کشور بهره جست. امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است. از همه بیشتر، جوانان و نوجوانان، باید احساس وظیفه کنند، اگرچه آنگاه که انس با کتاب رواج یابد، کتابخوانی نه یک تکلیف، که یک کار شیرین و یک نیاز تعلل‌ناپذیر و یک وسیله برای آراستن شخصیت خویشتن، تلقی خواهد شد؛ و نه تنها جوانان، که همه‌ی نسل‌ها و قشرها از سر دلخواه و شوق بدان رو خواهند آورد. (پیام به مناسبت آغاز هفته‌ی کتاب ۱۳۷۲/۰۴/۱۰)

۱ - توقع من، این است. باید پدرها و مادرها، بچه‌ها را از اول با کتاب، محشور و مأنوس کنند. حتی بچه‌های کوچک باید با کتاب انس پیدا کنند. (مصاحبه در جریان بازدید از نمایشگاه کتاب ۷۴/۲/۲۶)

۱ - کسانی که وقت‌های ضایع شونده‌ای دارند؛ مثلاً به اتوبوس یا تاکسی سوار می‌شوند، یا سوار وسیله نقلیه خودشان هستند و دیگری ماشین را می‌راند، یا در جاهایی مثل مطب پزشک در حال انتظار به سر می‌برند و به هر حال اوقاتی را در حال انتظار به بی‌کاری می‌گذرانند، در تمام این ساعات، کتاب بخوانند. (مصاحبه در پایان بازدید از نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۷۵/۲/۲۲)

- احادیث فضیلت عقل و علم در باب عقل و جهل کتاب اصول کافی

🔗 - امام باقر علیه‌السلام فرمود: عالمی که از علمش بهره برد (یا بهره برند) بهتر از هفتاد هزار عابد است. (اصول کافی جلد ۱ ص: ۴۰ روایه: ۸)

🔗 - امام صادق علیه‌السلام فرمود: مردم سه دسته‌اند دانشمند و دانشجو و خاشاک روی آب (که هر لحظه آبش به جانبی برد مانند مردمی که چون تعمق دینی ندارند هر روز به کیشی گروند و دنبال صدایی برآیند). (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۴۱ روایه: ۲).

🔗 - امام باقر (علیه‌السلام) فرماید: چون خدا عقل را آفرید از او بازپرسی کرده به او گفت پیش آی پیش آمد، گفت باز گرد، بازگشت، فرمود بعزت و جلالم سوگند مخلوقی که از تو به پیشم محبوب‌تر باشد نیافریدم و ترا تنها بکسانی که دوستشان دارم بطور کامل دادم. همانا امر و نهی کیفر و پاداشم متوجه تو است. (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۱۰ روایه: ۱)

🔗 - اصبع بن نباته از امام علی علیه‌السلام روایت می‌کند که جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت: ای آدم من مأمور شده‌ام که ترا در انتخاب یکی از سه چیز مخیر سازم پس یکی را بر گزین و دو تا را واگذار. آدم گفت چیست آن سه چیز؟ گفت: عقل و حیا و دین؛ آدم گفت عقل را برگزیدم.

جبرئیل بحیاء و دین گفت شما باز گردید و او را واگذارید، آن دو گفتند ای جبرئیل ما مأموریم هر جا که عقل باشد با او باشیم. گفت خود دانید و بالا رفت. (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۱۱ روایه: ۲)

🔗 - حضرت امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) به هشام بن حکم فرمودند: خداوند را در بین مردم دو حجت است، یکی ظاهری و آن دیگری باطنی، حجت ظاهری خداوند، رسولان و انبیا و ائمه هستند و حجت باطنی عقل‌های مردم است. منبع: تحف العقول، ص ۳۸۶

🔗 - حضرت امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: عقل از سرمایه‌های فطری بشر است که با علم‌آموزی و تجربه‌اندوزی افزایش می‌یابد. (منبع: فهرست غررالحکم، ص ۲۵۶)

🔗 قال الإمام الجواد - عليه السلام - : الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ وَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ، وَ قَبُولٍ مِنْ مَنِّ يَنْصَحُهُ. (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۶۵، ح ۳.)

امام محمد تقی جواد الائمه - علیه السلام - فرمود: مؤمن در هر حال نیازمند به سه خصلت است: توفیق از طرف خداوند متعال، واعظی از درون خود، قبول و پذیرش نصیحت کسی که او را نصیحت نماید.

یکی از راه‌های تقویت واعظ درونی، مطالعه کردن است. انسان باید سعی کند این واعظ درونی خود را تقویت کند که با تفکر، یاد مرگ، تنبّه حاصل از آگاهی بدست می‌آید یعنی یکی از راه حل‌ها کسب آگاهی است و قدرت تشخیص را بالا می‌برد و هشدارهایی به من شما در مورد انجام دادن یا ندادن می‌دهد.

📖 در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) رسیده که فرمودند: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطريق و لا یزیده سرعه السیر من الطريق الا بعدا»،

عمل‌کننده‌ی غیر بصیر و نا آگاه و جاهل مثل سیر کننده در غیر راه است (و بیراهه می‌رود) و عمل بدون علم سرعتی نمی‌افزاید مگر دوری از مسیر و راه را. بحار، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۰۶.

📖 - در جا زدن در مسیر تکامل - امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید " الْمُتَعَبِّدُ عَلٰی غَيْرِ فَهْ كَجَمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَلَا يَبْرُحُ، وَرَكَعَاتَانِ مِنْ عَالَمٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً مِنْ جَاهِلٍ لِأَنَّ الْعَالِمَ تَأْتِيهِ الْفِتْنَةُ فَيَخْرُجُ مِنْهَا بِعِلْمِهِ وَتَأْتِي الْجَاهِلَ فَتَنْسِفُهُ نَسْفًا وَقَلِيلُ الْعَمَلِ مَعَ كَثِيرِ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ مَعَ قَلِيلِ الْعِلْمِ وَ الشُّكِّ وَ الشَّبِيهَةِ "

"عبادت کننده و عمل کننده بدون علم مثل الاغ آسیاب است که دور می‌زند، و از جای خود حرکت نمی‌کند (درجا می‌زند، اگر هفتاد سال هم دور بزند وقتی چشمش را باز می‌کند، می‌بیند، در همان نقطه اول است. ای کاش ما هم در دنیا می‌فهمیدیم! بعضی از ما در دنیا هم نمی‌فهمیم که سر جای اول خود هستیم، یعنی گاهی از حیوان چهارپا هم پُست‌تر و غافل‌تریم) و دو رکعت نماز از عالم بهتر از هفتاد رکعت از جاهل است، زیرا فتنه به عالم روی می‌آورد، و از آن بوسیله علمش خارج می‌شود و به جاهل روی می‌آورد، و او را از جای کنده خرد می‌کند و کسی که کم عمل و پر علم است بهتر از کسی است که پر عمل و کم علم می‌باشد و دارای شک و شبهه است!" بحار الأنوار ج ۱ ص ۲۰۸ ح ۱۰

عنه صلى الله عليه وآله : مَثَلُ الْعَابِدِ الَّذِي لَا يَتَفَقَّهُ كَمَثَلِ الَّذِي يَبْنِي بِاللَّيْلِ وَيَهْدِمُ بِالنَّهَارِ ؛ كَنْزُ الْعَمَالِ : ۲۸۹۳۰ .

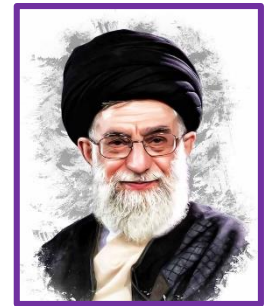
پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : حکایت عابدی که فهم و شناخت ندارد، حکایت کسی است که شب بنایی می‌سازد و روز ویران می‌کند.

۱۰- ❖ بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست، بسیج متکی است به دانستن و فهمیدن، متکی است به بصیرت. واقعیت بسیج هم همین است و در این جهت باید پیش برود. اگر صرفاً احساس بود، احساس با یک اندک چیزی تغییر پیدا میکند. یک عده‌ای اول انقلاب جزو کسانی بودند که پرشور با انقلاب همراه بودند اما از روی احساس؛ از روی عمق فهم دینی نبود. بنده با بعضی از اینها ارتباط داشتم، آشنا بودم،



در دانشگاه و بیرون دانشگاه اینها را می‌شناختم؛ عمق دینی نداشتند. نتیجه این شد که با نشست و برخاست با بعضی آدمهایی که زاویه‌ی با انقلاب داشتند، اینها هم با انقلاب زاویه‌دار شدند - خاصیت زاویه هم این است که اول خیلی محدود شروع میشود، [اما] هرچه انسان خط را پیش برود، این فاصله بیشتر میشود، دهنه وسیع‌تر میشود - شدند مقابل انقلاب. بسیج همراه با بصیرت است. لزوم بصیرت در بیانات رهبر انقلاب، دیدار بسیجیان ۰۳/۰۹/۱۳۹۵

۱۱ شماها جوانید، شماها نسل سومید؛ اولاً جوان این نسل، جوان نسل سوم، از جوان نسل اول امیدبخش‌تر است در صورتی که بتواند ایمانش را حفظ کند. جوان نسل اول، کسانی بودند که از روی احساسات، از روی هیجان [کار کردند]؛ احساسات بود، احساسات خوبی هم بود و همان احساسات کار کرد، یعنی یک نظام کهن را سرنگون کرد و اسلام را رو آورد؛ این را ما کوچک نمیگیریم، اما غالباً دانه‌دانه‌ی افراد -



نمیگویم همه - از روی احساسات لانه‌ی جاسوسی را آن روز رفتند و با شجاعت تمام گرفتند، اما بعداً رفتند با آمریکایی‌ها صحبت کردند و عذرخواهی کردند؛ این ناشی از چیست؟ ناشی از کم‌عمق بودن آن انگیزه است. آن انگیزه متکی به یک زیرساخت محکم نبود؛ انگیزه بود، اما زیرساختش محکم نبود. جوانهای امروز - [هرچند] بعضی [از آنها] هستند که بی‌خیال در خیابان راه میروند؛ زمان جنگ هم بودند، نه اینکه نبودند - اما آن [جوانی] که دنبال وظیفه می‌رود، می‌فهمد چه کار دارد میکند. یک نمونه‌اش همین حججی است و صدها نمونه، بلکه هزارها نمونه از این قبیل وجود دارد.

لذا من به جوان امروز در صورتی که انگیزه و ایمانش درست باشد، اعتمادم و امیدم بیشتر است تا به جوان آن روز. شماها آن جوان امروز هستید. آینده مال شماها است. این مملکت مال شماها است. هرچه میتوانید خودتان را بسازید، هم از لحاظ فکری بسازید، هم از لحاظ ایمانی بسازید؛ هم فکر را درست کنید، هم ایمان و دل را درست کنید. با خدا انس داشته باشید، اگر میتوانید، تا آنجایی که میتوانید، نماز شب بخوانید؛ نماز

را خوب بخوانید، با توجه بخوانید، قرآن را بخوانید. اینها چیزهایی است که میتواند جای این شهدا را پر کند؛ این کارها لازم است. من به شماها بیشتر امید دارم، به همین جوان نسل شما؛ [البته] اشخاص شما را نمیخواهم بگویم، چون آشنایی ندارم، اما به این نسل من بیشتر اعتماد دارم و بیشتر امید دارم تا آن [نسل قبلی]. خطاب به جوانان حاضر در دیدار/ بیانات در دیدار خانواده‌ی شهید ییلاقی ۲۴/۱۰/۱۳۹۶



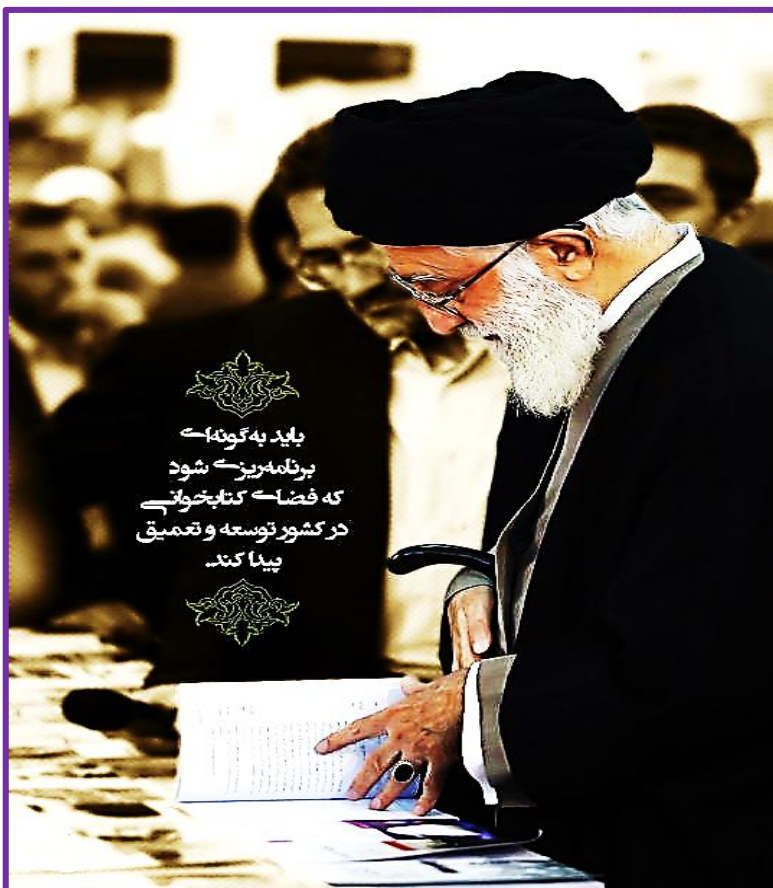
البته دانشجوی انقلابی مسلمان، دانشگاه را فتح کرد؛ این را شما بدانید. یعنی دانشجویهای مسلمان، هم در مباحثات توانستند دانشگاه را فتح کنند، هم در مبارزات جنگی؛ یعنی در همین اتفاقاتی که افتاد، دانشجویها توانستند دانشگاه را فتح کنند؛ بعد هم که خب به تعطیلی دانشگاه و مانند اینها [انجامید]. منتها [بعد] در بین خود مجموعه‌ی دانشجوی مسلمان، یک اختلالاتی به وجود آمد. دانشجوی مسلمان، دانشگاه را فتح کرد، لانه‌ی جاسوسی را فتح کرد اما خودش از درون مغلوب شد! این به نظر من نکته‌ی قابل توجهی است. چرا؟ برای خاطر اینکه دچار ضعف تحلیل و ضعف محتوا بود؛ هیجانات بود، خیلی هم تند - بعضی از بچه‌های دانشجو در آن روز، ماها را که آن وقت تازه از زیر زندان و تبعید و این قبیل چیزها بیرون آمده بودیم، انقلابی نمیدانستند؛ یعنی در مقام قضاوت، ماها را تخطئه میکردند؛ همینهایی که الان هم هستند؛ حالا بعضی‌هایشان هنوز هم هستند؛ یعنی واقعاً اُرتدُکس [بودند]، یک انقلابی اُرتدُکسِ سفت و سخت، خیلی قرص و محکم - منتها آن ذهنیت، از محتوای لازم خالی بود، [لذا] در یک نقطه‌ی حساسی ضربه خورد. خب، حوادث زیاد است؛ دیگر من نمیخواهم مرور کنم، [فقط] خواستم یک اشاره‌ای بکنم به ریشه‌های حوادث دانشگاه. بیانات رهبر انقلاب ۹۶/۳/۱۷

مطالعه در زندگی
امام خمینی



- حاج آقا مصطفی می گفت : وقتی امام ازدواج کردند - خوب آدم وقتی تازه زن می گیرد قدری از اشتغالات روزانه اش و از کتاب و مطالعه دور می شود - غروب پس از نماز جماعت می آمدند شام می خوردند و می خوابیدند.
- از آن طرف آخرهای شب بلند می شدند نماز شب و تهجد و مطالعاتشان را دنبال می کردند. یک برنامه ای تنظیم کرده بودند که هم خانواده ناراحت نشود و هم به تهجد و مطالعه شان برسند. منبع : (آیت الله شهید محلاتی)

رهبر انقلاب : همه افراد خانواده ما تقریباً شاید بگویم هیچ استثنایی ندارد، شب همیشه در حال مطالعه خوابشان می برد. خود من هم همینطورم، نه اینکه وسط مطالعه خوابم ببرد، مطالعه می کنم، تا خوابم می آید، کتاب را می گذارم و می خوابم. همه افراد خانه ما همینطور هستند، یعنی وقتی که می خواهند بخوابند، حتماً یک کتاب پهلوی دستشان است . من فکر می کنم که همه خانواده های ایرانی باید این طوری باشند، من توقعم این است.



باید به گونه ای برنامه ریزی شود تا فضای کتابخوانی در کشور توسعه و تعمیق پیدا کند.

خاطره‌ای از شهید
مهدی باکری :

یه سیرمطالعاتی برای
خودش مشخص کرد،
شروع به کتاب
خوندن کرد.



شهید مهدی

زین‌الدین



می‌گفت: " آدم همیشه باید روحیه ی سیاسی داشته باشه و دائماً مشغول کار کردن باشه ."

وقتی بعضیا رو می‌دید که بعد از دوره‌ی دانشجویی همه فعالیت‌هاشون رو کنار می‌ذاشتن و میرفتن دنبال زندگی روزمره‌شون؛ ناراحت می‌شد و می‌گفت: " کار سیاسی یک کار دائمی‌ست و خداوند متعال یک پیشرفت دائمی رو از بندهاش می‌خواه.

با هم به این نتیجه رسیدیم که با این وضع همیشه تو خوابگاه موند. واسه همین مهدی رفت یه خونه محقر پیدا کرد که دو تا اتاق داشت، وقتی رفتیم اونجا، اون یه سیرمطالعاتی برای خودش مشخص کرد و طبق برنامه‌ای که داشت، شروع به کتاب خوندن کرد. البته با قرآن هم خیلی رفیق بود. عاشق ائمه‌علیه‌السلام بود و مطیع کامل امام خمینی (ره). که ما اون روزا به ایشون می‌گفتیم: " آقا "

- این تفکر (اطاعت محض از امام) رو اولین بار مهدی، تو بچه‌های دانشگاه تبریز پایه گذاشت.

*-وقتی از عملیات خبری نبود، می‌خواستی پیداش کنی، باید جاهای دنج را می‌گشتی. پیداش که می‌کردی، می‌دیدى کتاب به دست نشسته، انگار توی این دنیا نیست.

ده دقیقه وقت که پیدا می‌کرد، می‌رفت سر وقت کتاب‌هایش. گاهی که کار فوری پیش می‌آمد، کتاب همانطور باز می‌ماند تا برگردد.

✍ رهبر انقلاب دیدارطلاب تهران ۶ شهریور ۹۶



کار روی غرب‌شناسی و بیان ایدئولوژی‌های اسلامی در زمینه‌ی سیاست، اقتصاد، اجتماع و ...
یک امتیاز دیگر این دوران این است که در سطح جهان، یک احساس خلأ فکری و نیاز به یک فکر جدید موج میزند؛ در سطح جهان این جور است؛

دل‌زدگی و سرخوردگی از «ایسم»‌های مختلف - چه «ایسم»‌های چپ، چه «ایسم»‌های راست - در بین کشورها و بین اندیشمندان و بین جوانها بسیار زیاد شده؛ یک حالت خلأ فکری [وجود دارد]، حرف نو جا می‌افتد.

جمهوری اسلامی، هم در مسئله‌ی انسان، هم در مسئله‌ی جامعه، هم در مسئله‌ی سیاست حرفهای نو دارد؛ اسلام حرفهای نو دارد.

ما اگر بتوانیم این حرفهای خودمان را حرفهای نویی است در دنیا منتشر کنیم و به گوشها برسانیم، پذیرنده و طلبکار زیاد خواهد داشت. این یکی از خصوصیات امروز است.

✍ رهبر انقلاب دیدارطلاب تهران ۶ شهریور ۹۶



*- این توصیه‌ی من به شما است. در سؤالها متوقف نمانید؛ بروید سراغ جواب. همه‌ی سؤالها جواب دارد؛ لازم است که ذهن، کار کند، تلاش کند، فعالیت کند و به جواب مناسب [برسد]. البته در مورد جوابها هم سهل‌اندیشی و سهل‌انگاری نباید کرد؛ یعنی هر سؤالی با هر جوابی تناسب ندارد؛ پاسخ باید پاسخ منطقی و محکم و صحیح باشد.

✍ رهبر انقلاب :



*- اگر میخواهید افکارتان، پیشنهادهایتان، خصوصیات برجسته‌ای که روحیه‌ی شما بحمدالله از آن برخوردار است، در جامعه تأثیر بگذارد، باید باسواد باشید، باید درس بخوانید، باید ملاً باشید. درس را جدی بگیرید؛ نگویید حالا دنیا دارد براساس پیشرفتهای فنی و فناوری و مانند اینها اداره میشود، ما نشسته‌ایم داریم مثلاً فرض کنید حاشیه‌ی ملاء عبدالله میخوانیم یا فرض کنید منطق مظفر میخوانیم! نه، این منطق مظفر را باید

بخوانید؛ این کتاب نحو را یا کتاب صرف را به عنوان مقدمه باید بخوانید؛ این کتاب فقه را و کتاب اصول را باید بخوانید تا بتوانید به عنوان یک روحانی - که حالا عرض خواهم کرد روحانی یعنی چه - اثرگذار باشید. باید درس خواند. ما در بین روحانیون کسانی را داشتیم که از لحاظ مبارزه چیزی کم نداشتند، اما از لحاظ علمی، نصاب لازم را نداشتند؛ اینها نتوانستند تأثیر قابل توجهی در پیشرفت این مبارزه یا در ایجاد این حرکت عظیم بگذارند. آن کسی توانست که - مثل امام - در حد نصاب کامل بود. درس بخوانید! این توصیه اول من است؛ درس را جدی بگیرید. ۶ شهریور ۹۶

توصیه رهبر انقلاب به هیئات مذهبی

#سردار_حسین_نجات:



رهبر انقلاب یک بار خودشان به من فرمودند که در این جلساتی [عزاداری] که دارید، بعضی از کتاب‌های خوب را بیاورید و از روی آنها برای حاضران بخوانید. حالا ممکن است این کتاب‌ها خاطرات رزمندگان باشد یا غیره. این باعث می‌شود که افراد به کتاب خواندن عادت کنند. چون مردم عموماً عادت ندارند به کتاب خواندن. ما هم با توجه به همین مسأله در جلسات خودمان، بعضاً این کار را انجام دادیم.

شهید مطهری :

کتاب عدل الهی صفحه ۱۳-۱۶



عصر ما از نظر دینی و مذهبی - خصوصاً برای طبقه جوان - عصر اضطراب و دودلی و بحران است. مقتضیات عصر و زمان، یک سلسله تردیدها و سؤالها بوجود آورده و سؤالات کهنه و فراموش شده را نیز از نو مطرح ساخته است.

آیا باید از این شک و تردیدها و پرس و جوها - که گاهی به حد افراط می‌رسد متأسف و ناراحت بود؟ به عقیده من هیچگونه ناراحتی ندارد. شک، مقدمه یقین، پرسش، مقدمه وصول، و اضطراب، مقدمه آرامش است. شک، معبر خوب و لازمی است هر چند منزل و توقفگاه نامناسبی است. اسلام که اینهمه دعوت به تفکر و ایقان می‌کند، بطور ضمنی می‌فهماند که حالت اولیه بشر، جهل و شک و تردید است و با تفکر و اندیشه صحیح باید به سر منزل ایقان و اطمینان برسد.

یکی از حکما می‌گوید: "فائده گفتار ما را همین بس که تو را به شک و تردید می‌اندازد تا در جستجوی تحقیق و ایقان برائی." شک، نا آرامی است، اما هر آرامشی بر این نا آرامی ترجیح ندارد.

حیوان شک نمی‌کند، ولی آیا به مرحله ایمان و ایقان رسیده است؟! آن نوع آرامش، آرامش پائین شک است، بر خلاف آرامش اهل ایقان که بالای شک است. بگذریم از افراد معدود مؤید من عندالله، دیگر اهل ایقان، از منزل شک و تردید گذاشته‌اند تا به مقصد ایمان و ایقان رسیده‌اند. پس صرف اینکه عصر ما عصر شک است نباید دلیل بر انحطاط و انحراف زمانی ما تلقی شود. مسلماً این نوع از شک، از آرامشهای ساده لوحانه‌ای که بسیار دیده می‌شود پائین‌تر نیست آنچه می‌تواند مایه تأسف باشد این است که شک یک فرد، او را به سوی تحقیق نراند، و یا شکوک اجتماعی، افرادی را بر نیانگیزد که پاسخگوی نیازهای اجتماع در این زمینه بوده باشند.

این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است.

نوشته‌های این بنده، برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی و برخی تاریخی است. با اینکه موضوعات این نوشته‌ها کاملاً با یکدیگر مغایر است، هدف کلی از همه اینها یک چیز بوده و بس. دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است. حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم، واژگونه شده است، و علت اساسی گریز گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود.

این دین مقدس در حال حاضر بیش از هر چیز دیگر از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند ضربه و صدمه می‌بیند. هجوم استعمار غربی با عوامل مرئی و نامرئیش از یک طرف، و قصور یا تقصیر بسیاری از مدعیان حمایت از اسلام در این عصر از طرف دیگر، سبب شده که اندیشه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف، از اصول گرفته تا فروع، مورد هجوم و حمله قرار گیرد. بدین سبب این بنده وظیفه خود دیده است که در حدود توانایی در این میدان انجام وظیفه نماید. همچنانکه در برخی از نوشته‌های خود یادآور شده‌ام، انتشارات مذهبی ما از نظر نظم، وضع نامطلوبی دارد. بگذریم از آثار و نوشته‌هایی که اساساً مضر و مایه بی‌آبرویی است، آثار و نوشته‌های مفید و سودمند ما نیز با برآورد قبلی نیست، یعنی بر اساس محاسبه احتیاجات و درجه بندی ضرورتها صورت نگرفته است، هر کسی به سلیقه خود آنچه را مفید می‌داند می‌نویسد

و منتشر می‌کند، بسی مسائل ضروری و لازم که یک کتاب هم در باره آنها نوشته نشده است و بسی موضوعات که بیش از حد لازم کتابهائی در باره آنها نوشته شده است و هی پشت سر هم نوشته می‌شود. از این نظر، مانند کشوری هستیم که اقتصادش پایه اجتماعی ندارد، هر کسی به سلیقه خود هر چه می‌خواهد تولید می‌کند و یا از خارج وارد می‌نماید، بدون آنکه یک نیروی حسابگر، آنها را رهبری کند و میزان تولید کالا یا وارد کردن کالا را بر طبق احتیاجات ضروری کشور، تحت کنترل در آورد. به عبارت دیگر همه چیز به دست "تصادف" سپرده شده است. بدیهی است که در چنین وضعی برخی کالاها بیش از حد لزوم و تقاضا عرضه می‌شود و بی‌مصرف می‌ماند و برخی کالاها به هیچ وجه در بازار یافت نمی‌شود. اینکه راه علاج چیست؟ ساده است. هسته اولی این کار اصلاحی را همکاری و همفکری گروهی از اهل تألیف و تصنیف و مطالعه می‌تواند بوجود آورد. ولی متأسفانه غالباً ما آنچنان شیفته و عاشق سلیقه خود هستیم که هر کدام فکر می‌کنیم تنها راه صحیح همان است که خود ما یافته ایم. من گاهی به برخی از اهل تألیف، این پیشنهاد را عرضه کرده‌ام، اما آنها به جای استقبال، رنجیده و این را نوعی تخطئه سلیقه خود تلقی کرده‌اند.

این بنده هرگز مدعی نیست که موضوعاتی که خودش انتخاب کرده و درباره آنها قلمفرسائی کرده است لازم‌ترین موضوعات بوده است، تنها چیزی که ادعا دارد این است که به حسب تشخیص خودش از این اصل، تجاوز نکرده که تا حدی که برایش مقدور است در مسائل اسلامی "عقده‌گشائی" کند و حتی‌الامکان حقایق اسلامی را آنچنانکه هست ارائه دهد، فرضاً نمی‌تواند جلوی انحرافات عملی را بگیرد، باری حتی‌الامکان با انحرافات فکری مبارزه نماید و مخصوصاً مسائلی را که دستاویز مخالفان اسلام است روشن کند، و در این جهت "الاهم فالاهم" را لا اقل به تشخیص خود - رعایت کرده است. در سه چهار سال اخیر، قسمت زیادی از وقت خود را صرف مسائل اسلامی مربوط به زن و حقوق زن کردم، بسیاری از آنها به صورت سلسله مقالات در برخی جرائد و مجلات و یا به صورت کتاب منتشر شد. از اینرو وقت خودم را صرف این کار کردم که احساس کردم جریان، تنها این نیست که عملاً انحرافات در این زمینه پدید آمده است، جریان این است که گروهی در سخنرانیها، در سر کلاس مدارس، و در کتابها و مقالات خود، نظر اسلام را درباره حقوق و حدود وظایف زن به صورت غلطی طرح می‌کنند و به مصداق "خود می‌کشی و خود تعزیه می‌خوانی" همانها را وسیله تبلیغ علیه اسلام قرار می‌دهند و متأسفانه توده اجتماع مسلمان ما با منطق اسلام در این موضوعات - مانند بسیاری از موضوعات دیگر به هیچ وجه آشنا نیست. لهذا با کمال تأسف افراد زیادی را اعم از زن و مرد نسبت به اسلام، بدبین ساخته‌اند. این بود که لازم دانستم منطق اسلام را در این زمینه روشن کنم تا بدانند نه تنها نتوان ایرادی بر منطق اسلام گرفت، بلکه منطق مستدل و پولادین اسلام در باره زن و حقوق زن و حدود و وظائف زن بهترین دلیل بر اصالت و حقانیت و جنبه فوق بشری آن است.

شهادت مطهری :

رسول اکرم و دو حلقه جمعیت

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وارد مسجد (مسجد مدینه) شد، چشمش به دو اجتماع افتاد که از دو دسته تشکیل شده بود و هر دسته‌ای حلقه‌ای تشکیل داده سرگرم کاری بودند. یک دسته مشغول عبادت و ذکر و دسته دیگر به تعلیم و تعلم و یاد دادن و یاد گرفتن سرگرم بودند. هر دو دسته را از نظر گذرانید و از دیدن آنها مسرور و خرسند شد. به کسانی که همراهش بودند رو کرد و فرمود: «این هر دو دسته کار نیک می‌کنند و بر خیر و سعادتند.» آنگاه

جمله‌ای اضافه کرد: «لکن من برای تعلیم و دانا کردن فرستاده شده‌ام.» پس خودش به طرف همان دسته که به کار تعلیم و تعلم اشتغال داشتند رفت و در حلقه آنها نشست

منیة المرید، چاپ بمبئی، صفحه ۱۰.





ما استراحت نخواهیم کرد

این انقلاب و این جامعه آنقدر کار درس هست که دیگر استراحت بی استراحت.
آنقدر کار هست که میتوان انجام داد بی آنکه هیچ پست و سمت و حکم و ابلاغی در کار باشد.

شعبه مطبوعه آیت الله دکتر بهشتی (ع)